

اعتراض به تحریر شورای ملی اپوزیسیون

قصاص قبل از جنایت

امیر فیض - حقوقدان

تحریر شورای ملی اپوزیسیون که در هفته قبل انتشار یافت به قیای فعالین شورای ملی نامناسب آمد و یکی از آنان که اخیرا هم در مقاله ای جهت لزوم تشکیل فوری شورای ملی مطالبی نوشته و توصیه هانی هم کرده است ادعا کرده، کسانی قصاص قبل از جنایت میکنند و هنوز شورایی تشکیل نشده و برنامه آن منتشر نگردیده، شورای ملی اپوزیسیون را منطبق با شورای لیبی و سوریه میدانند و نتایجی میگیرند که بنفع جمهوری اسلامی است. شورا بواسطه شخصیت هانی که در شوراهای حضور دارند قابل ارزیابی و قضاوت است، چرابرخی نگرانند که شورای ملی همان راه و طریق را برود که شورای لیبی و سوریه رفته و میروند.

برای رفع نگرانی باید سعی کرد که شورا از افراد وطن پرست که دارای استقلال فکری و زمینه های آزادیخواهی باشند تشکیل گردد.



اعتراض و انتقاد منتقد از لحاظ تنوری و کلیت موضوع وارد است، چرا که از نظر کلی و فلسفی چیزی که هنوز وجود ندارد آثار وجود بر آن مستولی نیست.

قاعده بالا در مورد تشکل های سیاسی و اجتماعی مصداق ندارد، و حکما آنرا متوجه مواردی استثنائی از قبیل: موجود در رحم که روح به بدن او وارد نشده میدانند آنها هم به شرط احتیاط های بسیار.

در جهان امروز امور مادی و بیامعنوی و سیاسی یکدفعه و بدون مقدمه و آثار وجود نمیاید و افراد هوشیار با ملاحظاتی که ممکن است محسوس هم نباشد وقوع حادثه و رویداد را منتظر میگردند.

یکی از اصولی که به انسان کمک میکند تا کشف معنی از صورت کند قیاس است. قیاس عبارت است از اینکه بواسطه وجود برخی شباهت ها انسان از وجود یک چیز به وجود چیز دیگری که مشابه با آن است پی ببرد.

فایده بکار گرفتن قیاس یعنی سعی در شناخت حرکت ها و رویدادها و انسان ها قبل از وقوع، این است که طبیعت بشر بر جلوگیری از ضایعات و خسارات و صدمات متمرکز است. «ابن یمنی» بیتی دارد که خیلی مشهور است گفته است:

وقت هر کار نگهدار که نافع نبود / نوشدارو که پس از مرگ به سهراب دهند

بنابراین قیاس موضوعات و از جمله قیاس شورایی اپوزیسیون با شورای ملی سوریه و لیبی قصاص قبل از جنایت نیست بلکه قیاس موضوع به موضوع است.

قیاس موضوع به موضوع هماناست که در ادبیات ما موارد متعددی به آن اشاره شده است از جمله اینکه:

پوخواهد بود نشان از برف و باران پدید آید نشان از باد اداوان

ویا

رنگ و رخساره خبر میداد سر زبانان

واما بعد

یکی از عادی ترین ابزار قیاس < وابستگی > است وابستگی یعنی پیوند اعتقادی و یامالی و یاداری، بطوریکه شخص وابسته، بمناسبت آن پیوند و ارتباط، در حیطه اقتدار اراده وابسته گر قرار میگیرد؛ از باب مثال، وابسته نظامی کشوری در کشور دیگر شخصی است که در اقتدار سیاست نظامی کشور خودش قرار دارد و همینطور است وابستگان سیاسی و غیره.

قوی ترین نوع وابستگی، وابستگی مالی است که حیات شخص اعم از طبیعی و یا حقوقی را در گرو تصمیم وابسته گر در میآورد، نمونه اشخاص طبیعی، کسانی هستند که بابت های سیاسی آمریکا در خارج زندگی میکنند مانند سازگارا، فخر آور، خونینها، و اکبر گنجی و بسیاری دیگر، اینها اگر وابسته نباشند یعنی اگر در موقعیت اطاعت از سیاست آمریکا و نوکری برای آن کشور نباشند نمیتوانند وابسته مالی بشوند.

نمونه شخصیت ها حقوقی وابسته هم سازمان هانی است که از بودجه وزارت خارجه آمریکا ویا وزارت دفاع آمریکا استفاده میکنند مانند صدها سازمان های طرفدار حقوق بشر ویا دموکراسی سازی و امثال آنها ویا ارتش مصر که حیات نظامی اش وابسته به کمک سه هزار میلیاردی در سال از آمریکاست.

استفاده از قاعده قیاس کار محقق و یا قیاس کننده در شناسایی عقیده مذهبی و یا سیاسی کمک گیرنده را بسیار ساده میکند و لازم نمیسازد فرد، فرد کسانی را که بدنبال تشکیل شورای ملی هستند ویا در کنفرانس های استکهلم و آمستردام و بلژیک و... حضور داشته اند شناسایی کند تا بتواند نسبت به ماهیت آن شورا اظهار نظر نماید کافی است مرجعی که به آن جماعت کمک مالی میدهد شناخته شود زیرا ماهیت آن مرجع نمیتواند از ماهیت آن شورا و جماعت خارج باشد و اگر بود وابستگی مالی بوجود نیامد.

اسناد و شهود بسیار کافی از جمله اعتراف صریح فخر آور به اینکه ۲۵ میلیون از آمریکا به اپوزیسیون پول پرداخت شده و وابستگی فعالیت شورای ملی که با جهت گیری نشست استکهلم و آمستردام، هماهنگی کامل دارد با موسسه دفاع از دموکراسی و اشنگتن که از موسسات سرشناس وابسته به وزارت خارجه آمریکاست و حضور چند آمریکائی از جمله امانوئل اتولانگی از اعضای برجسته موسسه دفاع از دموکراسی آمریکا در جلسات استکهلم و آمستردام، و دفاع او از لزوم حمله نظامی آمریکا به ایران و سکوت مطلق حاضرین و عدم اعتراض آنان از مواردی است که قیاس رابه نتیجه مطلوب میرساند که رسانده است.

دامنه این قیاس، محصور به وابستگی اپوزیسیون جمهوری اسلامی (منهای سلطنت طلبان) نمیشود زیرا وابستگی وابسته گر (موسسه دفاع از دموکراسی و اشنگتن) خود وابسته به سیاست کلی دولت آمریکا است که به دوجناح جنگ طلب و غیره تقسیم شده است و تحقیق در دوائر قیاس نتیجه رامیرساند به آنجا که اپوزیسیون جمهوری اسلامی (منهای سلطنت طلبان) وابسته به جناح جنگ طلب آمریکا است.

درداندره این تحقیق به اظهارات خانم وزیر خارجه آمریکا برخورد میکنیم که گفت: «مردم سوریه از آمریکا درخواست کمک و مداخله نکردند ولی مردم لیبی کردند»

اظهارات خاتم کلینتون این معنا را دارد که فقط وابستگی به موسسه دفاع از دموکراسی واشنگتن برای وابستگان به آن موسسه کافی نیست که بتوانند از کمک آمریکا استفاده کنند بلکه باید مانند شورای لیبی از آمریکا بخواهند که در امور سوریه دخالت و به آنها کمک کنند.

و از آنجا که اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خارج و داخل کشور بارها و بارها درخواست کمک از آمریکا کرده ولی شورای ملی نداشته لذا برای اینکه کمکها بتواند در سطح کمک به شورای سوریه باشد به تشکیل شورای ملی هجوم آورده اند